

## تحقیقی درباره تاریخ بیهقی\*

دکتر علی اکبر فیاض

می دانیم بهترین چاپ تاریخ بیهقی مصحح مرحوم علی اکبر فیاض است که آن استاد از بزرگان محققان و دانشمندان این عصر بود. آثاری که از او باقی مانده و از جمله مقالاتی که در مجله یغماست در نهایت دقت و استحکام است و سندی است معتبر برای تاریخ شناسان و اهل ادب.

اقای فرجاد معاون رایزنی فرهنگی ایران در پاکستان نامه‌ای از آن استاد بزرگوار و مقاله‌ای از خود به مجله فرستاده‌اند که نمونه‌ای از کنجکاوی و استقصاء اوست که با امتنان چاپ می‌شود. اشارت باید کرد که درباره بلاد و نقاطی که در تاریخ بیهقی است استاد عبدالحی حبیبی افغانستانی نیز مقاله‌ای محققانه در مجله یغما دارند و هر دانشمندی از این پس بخواهد تاریخ بیهقی را تجدید چاپ کند می‌باید از همه این مقالات استفاده فرماید و سزاوارترین فرد برای این خدمت ادبی فرهنگی دکتر غلامحسین یوسفی استاد دانشگاه مشهد است. قابوس‌نامه را دقیقاً مطالعه فرمایید مگر رنج و کوشش و وسعت اطلاعات و تبحر و تسلط استاد یوسفی را دریابید. (یغما)

### تاریخ بیهقی

در میان کتاب‌هایی که به نثر فصیح از قرن پنجم هجری باقی مانده، یکی

---

\* یغما، شماره ۳۳۵ (مرداد ۱۳۵۵)، ص ۲۷۱-۲۷۶.

کتاب تاریخ بیهقی تألیف خواجه ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی دبیر است که تاکنون چند نوبت به چاپ رسیده است.

این کتاب درباره تاریخ وقایع زمان سلطنت مسعود غزنوی به رشته تحریر درآمده ولی با تاریخ‌های دیگر فرق بسیار دارد چه نویسنده، هم چنان‌که خود می‌گوید: «در تاریخ چنان می‌خوانند که فلان پادشاه فلان سالار را به فلان جنگ فرستاد و فلان روز جنگ یا صلح کردند و این آن را بزد ... اما من آنچه واجب است به جای آم»، مقصود دیگر از تاریخ‌نویسی را دنبال می‌کند و آن توجیه علت‌های واقعی جنگ‌ها و اتفاق‌های تاریخی است و چون خود فردی است دانشمند و بصیر و در نویسندگی چیره‌دست و توانا، به‌خوبی از عهده این مهم برآمده است. به‌خصوص که خود در زمان گذشتن وقایعی که شرح می‌دهد در دبیرخانه سلطان کار می‌کرده، شاهد عینی وقایع بوده و از اسناد و مدارک دبیرخانه غزنویان برای تکمیل تألیف خود رونوشت برمی‌داشته است.

در جایی دیگر می‌گوید: «در دیگر تواریخ چنین طول و عرض نیست که احوال را آسان‌تر گرفته‌اند و شمه‌ای بیش یاد نکرده‌اند، اما چون من این کار را پیش گرفتم می‌خواهم که داد این تاریخ را به تمامی بدهم و گرد زوایا و خبایا برگردم تا هیچ از احوال پوشیده نماند.»

بر خوانندگان محترم و ارباب تحقیق پوشیده نیست که کتاب بیهقی براساس اطلاعات و مشهودات خود او تدوین گردیده، و البته مقام و موقع سیاسی و اجتماعی او نیز چنین ایجاب می‌نموده است. نویسنده درباره وقایع با کمال صراحت و صداقت اظهارنظر می‌کند آن‌چنان که خواننده را با خود هم-عقیده می‌گرداند، و به او اطمینان می‌بخشد که هرچه می‌خواند عین حقیقت است

و ذره‌ای شک و شبهه در آن راه ندارد. چه برای هر گفته خود دلیلی وافی اقامه می‌کند.

هنر بیهقی در این کتاب در سبک بسیار روان نویسنده‌گی او نمایان است که وقایع کهن را آن چنان در قالب الفاظ فصیح بیان می‌کند که خواننده از کهنگی داستان‌ها و احياناً طول مقال آنها خسته نمی‌شود چرا که در انشاء بیهقی یک نوع سادگی طبیعی وجود دارد که در آثار نویسندگان دیگر کمتر نظیر آن دیده شده است؛ و بدین جهت کتاب بیهقی در زمره بهترین آثار منشور فارسی به‌شمار می‌رود، افسوس که قسمت بزرگ آثار این نویسنده بزرگ مفقود شده و آنچه باقی مانده تنها جزئی از منشآت گرانبهای اوست.

مرحوم دکتر فیاض در جمع‌آوری آثار بیهقی همتی به‌کار می‌برد و برای هر کوشش که در راه روشن شدن گوشه‌ای از آن به‌کار می‌رفت اجر و پاداشی قائل بود. آشنایی این جانب با مرحوم استاد از سال ۱۳۲۴ شمسی آغاز گردید. زمانی که آن مرحوم در دانشکده الهیات تهران به تدریس تاریخ اسلام مشغول بود، و این بنده از خرمن فیاض و دانش او به‌قدر وسیع و توانایی بهره‌ور بودم. این سابقه آشنایی و مقام شاگردی نسبت به استاد همیشه مرا به خواندن نوشته‌های او ترغیب کرده و می‌کند. در سال ۱۳۴۱ که مسئولیت فرهنگ شیروان به‌عهده این جانب محول بود در ایام فراغت خود را با خواندن کتاب بیهقی سرگرم می‌داشتم و برحسب اتفاق در همان موقع به موضوعی برخورددم که لازم بود آن را به اطلاع استاد برسانم. مطلب از این قرار بود که روزی برای بازدید یکی از مدارس شیروان که در دهستان گلیان<sup>(۱)</sup> واقع بود به آن صوب رفتم و در آن‌جا بود که با نام چشمه شیرخان آشنا شدم. محلی بود با صفا در دره سرسبز گلیان با چشمه

آبی صاف و گوارا؛ قدری بالاتر، آثار بنایی مخروبه بر فراز تپه‌ای بلند دیده می‌شد که گویا آن را عمارت می‌خواندند، و خلاصه محلی دیگر که آثار هیچ‌گونه بازار و مغازه‌ای در آن نبود ولی آن را بازار شیرخان می‌نامیدند و مسجدی بزرگ ولی کهنه و مخروبه هم در آن حوالی بود.

در تاریخ بیهقی چاپ مرحوم فیاض در ذیل صفحه ۶۰۳ در توضیح چشمه شیرخان چنین آمده است که «این محل گویا همان است که امروز چشمه گیلاس (گلسب) می‌نامند» و در تعلیقات همین کتاب صفحه ۷۰۶ مرحوم فیاض احتمال دیگری می‌دهد که «در آن حدود چشمه دیگری هست به نام چشمه شیرین و گویا منظور از چشمه شیرخان همین چشمه شیرین است» و البته نظر مرحوم فیاض در هر دو مورد احتمالی است و قطعیت ندارد. اما مطلب مورد توضیح در کتاب بیهقی مربوط می‌شود به حمله سلطان مسعود غزنوی به طغرل سلجوقی و سلطان مسعود که قصد غافلگیر کردن طغرل را دارد ناچار حمله خود را از راه استوا<sup>(۲)</sup> آغاز می‌کند. برای این جانب پس از مطالعه داستان و تطبیق آن با راه قدیم طوس به قوچان و شیروان که از همان حدود می‌گذرد و امروز نیز مسافرانی که می‌خواهند با اسب یا قاطر به طرف طوس بروند از همان جاده استفاده می‌کنند شکی باقی نماند که چشمه شیرخان جز همین محلی که ذکر آمد محل دیگری نیست چرا که بر سر راه مذکور یعنی راهی که از جانب شمال غربی طوس به سمت استوا کشیده شده واقع است و با طوس فاصله چندانی ندارد. خلاصه قراین دیگری نیز وجود داشت که این احتمال را به یقین نزدیک‌تر می‌گردانید. و این جانب مراتب را در همان زمان در طی نامه‌ای به عرض استاد رسانیدم و چندی بعد نامه‌ای از آن شادروان دریافت داشتم که اینک در اختیار مجله محترم

یغما قرار می‌دهم و اصل آن را برای نگهداری در اسناد و مدارک تاریخی به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهداء کرده‌ام باشد که در نزد مورخان و ارباب تحقیق سندی معتبر شناخته شود.

#### یادداشت‌ها

۱. دره‌ای است با صفا در جنوب شیروان.
۲. استوا نام قدیم قوچان است.

(تصویر نامه در صفحه بعد)

۱۳۰۱

حالت گرامر و بزرگه ارم خرابه

مانند برادر لطف و مهر خاصه که در مدینه است در فیت گفته که  
 و منظر آن که جواب آن را در حال سعادت و با خاطر آلوده تر مکن  
 کنم تا امروز در نظر آن تا غیر حاضر است. و منظر این ماه مهر از کتب  
 فوق الهه سرت و غیره بود که از آن حکایت که خبر از دوستی دیرین جد الیم  
 که با خود شده است و لغت سرت سخن دیگر از آن حکایت که می بینم  
 بعد آن حالت گرامر می باشد علمی و تحقیقی همچنان باقی است و در این  
 راه دخل نیست و نا طری سرت که با این ماه و این و کتب دیگر است  
 سلب که راجع به شیشه شیر خان نوشته بودید بسیار خوب است و از  
 خرابه بسیار که گزیدیم که این سلب را ملاحظه کرده اند و در این  
 این و تفسیر را به بنده اوردند و دیده. این روزها قصه که بسیار  
 بهتر در بیان است و البته این نکته تفسیر را در تحقیقات آن بسیار مهم  
 خود خرابه که در جمع فراهم کرد. ضمناً همه تحقیق راجع این دره گلستان  
 که از شیشه شیر خان در آن واقع است تحقیق بودیم که هر دو  
 این دره میگویند است و دایره از این دره المیوسف که بهار رنجان و رنجان  
 بیرون نجات ایران و بیابان دیگر بصورت ترکتستان امروز برود یا برشته  
 است یا نه؟ شاید آثار آجودیه که نوشته بودید در این دره موجود است

نشانه آن باشد که همین را بر بوده است و توکنها رسودار همان راه بطرف  
بجانب رفته و از جلوسودگر بخیه نه.

تحقیقی که درباره راه قدیم می کند از شمال غرب طوس سمت اهواز رگلیان  
میرفته است که مدعی است. این راه هم اکنون موجود است ولی شاه راه نیست  
و حدیث نوشته فصیح بقول آن را از میرانه خسته است. در این راه  
دو چشمه است یک چشمه گلاب که بنام جمال دارد بودم و دیگر چشمه  
شیرینی ابر حیدر نام دارد (برگه است) و در این تحقیق خاطر به گلاب  
که حداد اجماع در آورده و کشف بزرگ است آنکه که در بعضی نواحی قبضه است

از کهن گلاب خورشید خورشید و کلاهی هم راجع - کجنگه فوق نوره که  
آب صبح خنده دین نام در آن طراوت و در حدود این راه قدیم رسوخ کشف  
وجود دارد؟ خبر که مورد استفاده بوده است در است و نه؟  
عزیزه شیرخان هم شده است. آب با کلمه شیرخان از با طر در داده؟  
خبر دم که (خان) از خانه آن یک چشمه است. فرود آن (شیر)  
مکن است صورتی که شهر باشد چنانکه در کلمه اردشیر هم شهر پهن  
صورت را پیدا کرده است.

خوردن چشمه از به هم در این ارباب آنچه نظردان میرسد بنده در قلم  
که فوق آمده موجب افغان و شکر بنده خواهد بود. بمبارد سلامت و کمال  
صغیر م کبر فیاض